

اقدام بسیار اندکی صورت داده است. زمانی که در رومانی بودم، ترک‌ها فعالیت زیادی داشتند. آن‌ها در سال ۲۰۰۹ یک مؤسسه غیردولتی تأسیس کردند که امروز چهل نمایندگی از جمله در ایران دارد. هر سال به مناسبت‌های فرهنگی، جشنواره‌هایی در کشورهای متعدد جهان تشکیل می‌دهد. تبلیغات خوبی می‌کنند و در رومانی کرسی زبان مستقل داشتند. حدود ۳۵ دانشجوی در یک سال داشتند در حالی که ایران شاید ۱۰ دانشجو داشت. در ایران هم مؤسسه بنیاد سعدی متولی این امر است اما متأسفانه نشان داده است هر سال با کمبود بودجه روبه‌رو هستیم و نمی‌تواند رسالت اصلی خود را به‌طور کامل دنبال کند.

درهای فرهنگ‌ها به روی یکدیگر باز شود

باقری، دانشیار گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه خوارزمی، با بیان اینکه معرفی شخصیت‌های جهانی فرهنگ و ادب از جهان شهر مشهد عزمی ملی می‌طلبد ادامه می‌دهد: گام نخست این است که در سطح کلان کشور، خودمان قدر این بزرگان را چندان که باید و شاید بدانیم، اما متأسفانه این‌طور نیست و می‌بینیم خیلی راحت کشورهای دیگر شاعرانمان را به نام خودشان مصادره می‌کنند. ما هم کاری جدی در این زمینه انجام نمی‌دهیم. او اضافه می‌کند: بحران کرونا و مشکلات ارزی باعث شده است



خراسان و شاهنامه

بشیری، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، باور دارد داستان شاهنامه با خراسان ارتباط دارد، اما نه ارتباطی از جنس اینکه فردوسی اهل توس بوده است. چنین ارتباطی را در دیباچه شاهنامه می‌شود دید. در دیباچه وقتی به این بخش می‌رسد که چرا به شاهنامه توجه کرده است، شرح می‌دهد: جوانی از نسل پهلوانان و ولی زادگان ایران بود که به فرهنگ و تاریخ این سرزمین علاقه مند و حاکم توس و نیشابور از سوی سامانیان بود. محمد بن عبدالرزاق که به دنبال این بود، داستان‌های گذشته ایران را احیا کند. داستان‌ش از یک طرف با شاهنامه و از طرفی به امام رضا (ع) پیوند می‌خورد. پیوندش از این جهت است که داستان ضامن آهومر بوط به همین شکارچی و حاکم منطقه توس می‌شود. در زمان شکار، آهوز تیررس او خارج می‌شود. تعجب می‌کند زیرا تا قبل از آن هیچ آهویی از دست او نگریده بود. وارد خرابه‌ای می‌شود که آهوز تیررس خارج شده بود. پیرمردی در آنجا مشغول کار بود. از او پرسید: اینجا کجاست؟ پاسخ داد: مقبره امام هشتم شیعیان است. شکارچی پیش خودش گفت: احتمالاً به دلیل این جایگاه خاص است که آهوز دست من گریخت. از این رو، متنبه می‌شود و دست از شکار می‌کشد. تغییر عقیده می‌دهد و به جمع‌آوری داستان‌های شاهنامه روی آورد. به همت او، کتابی فراهم می‌آید به نام شاهنامه منثور ابومنصوری. این شاهنامه مورد توجه فردوسی بوده و بر اساس آن، سخن منظوم شاهنامه را سروده است.

زبان فارسی زبان علم شناخته نشده است

نکته دیگر این است که هنوز زبان فارسی در دنیا به عنوان زبان علم شناخته نشده است. بنابراین، نمی‌توانیم به جایگاهی که زبان‌های دیگر دارند برسیم. این جمله را نیکویخت اظهار می‌کند و ادامه می‌دهد: آلمانی‌ها با تأسیس مؤسسه گوته به‌طور رسمی مسئول گسترش زبان و فرهنگشان در جهان هستند. شعبات فراوانی از این مؤسسه در کشورها تأسیس کرده‌اند و از حمایت کامل دولت و وزارت خارجه آلمان برخوردارند تا آنجا که توانسته‌اند تأثیر چشمگیری بر معرفی و گسترش این زبان در دنیا بگذارند. این استاد دانشگاه می‌افزاید: وقتی خودمان را با کشورهای همسایه مثل ترکیه یا کشورهای عربی، هند، بنگلادش و چین مقایسه می‌کنیم، درمی‌یابیم در توسعه زبان و فرهنگ ملی مان رتبه پایین تری داریم. کم‌کاری یا ناتوانی و برنامه‌ریزی‌های نادرست سبب شده است جایگاه فرهنگی تمدنی ما در دنیا روشن نشود و نتوانیم آن را در معرض دید جهانی قرار بدهیم و حقیقت را ادا کنیم. امیدوارم روزی ما هم به این جایگاه برسیم. فرهنگ و تمدن ایرانی با پیشینه و بسیار غنی است. شاعران و اندیشمندان ما در سطح جهانی دارای افکار و اندیشه‌هایی بلند بوده‌اند که می‌تواند بر تعالی فرهنگ جهانی مؤثر باشد.

او با اظهار تأسف بیان می‌کند: کرسی‌های زبان فارسی در این سال‌ها افت کرده است. یعنی در جاهایی که کرسی‌های زبان فارسی به عنوان زبان اول تدریس می‌شدند، به تدریج با بازنشسته شدن استادان، این کرسی‌ها هم به تعطیلی انجامیدند. متأسفانه زبان فارسی در خیلی از این جاها به عنوان زبان دوم تدریس می‌شود. از نظر کیفیت تدریس و آموزش هم سطحش پایین آمده است. در سال‌های اخیر که کرسی‌های زبان فارسی در کشورها به تعطیلی گراییده و ایران قادر نبوده است استادی به این کشورها اعزام کند، متأسفانه از تعداد دانشجویانی هم که به زبان فارسی گرایش داشتند کم شده است. کسانی که متصدی زبان فارسی هستند به همان زبان مبدأ مثل رومانیایی، اوکراینی و... تدریس می‌کنند. در نتیجه، سطح آموزش خیلی پایین آمده است.

بازتاب مثلث مشهد، فردوسی و شاهنامه

محمود بشیری در باره مثلث مشهد، فردوسی و شاهنامه و تأثیر این شاعر در خارج از مرزهای ایران می‌گوید: مشهد با شاعران منطقه خراسان بعد ادبی پیدا کرده است، اما امروز همین کار باید ادامه پیدا کند. برای نمونه، در بجنورد، داستان نویسانی داریم که منطقه خودشان را در آثار ادبی برجسته کرده‌اند. رمان «آبناز هل دار» که تلفیقی بین جغرافیا، تاریخ، فرهنگ، سنت و ادبیات است، در عین حال ارتباطی با جنگ می‌یابد و نقش منطقه در جنگ تحمیلی را بازگو می‌کند، یکی از همین نمونه‌هاست. شاهنامه فردوسی در بعد بین الملل هم این گونه است. یک وجه آن

حماسه واسطوره‌است و بین استادان ملل جزو کتاب‌های برجسته است. حتی خیلی‌ها آن را برجسته‌تر از آثار یونانیان می‌دانند. به همین اعتبار، به شاهنامه توجه کرده‌اند بنیادین اسطوره ایرانی چطور گرد آمده است. یکی از کارها این است که باید نویسندگان کمک و توجه شوند تا بتوانند فرهنگ منطقه را در آثار ادبی منعکس کنند. از این روی، آن منطقه بعد جهانی هم پیدا می‌کند. باقری، دانشیار گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه خوارزمی، در همین راستا اضافه می‌کند: خوشبختانه قطب شاهنامه و فردوسی‌شناسی که در دانشگاه فردوسی مشهد دایر شده است هم‌زمان و هم‌گام با انجمن ترویج زبان فارسی نشست‌های خوبی برگزار می‌کند. اگر دانشگاه مشهد نام «فردوسی» را یک نشان افتخار برای خود بداند و بیشتر روی ادبیات حماسی متمرکز شود، از طرفی همایش‌هایی در حوزه ادبیات تطبیقی برگزار کند، می‌تواند مفید باشد.

قدر این بزرگان را بدانیم

«تردید نیست که شاهنامه فردوسی از حماسه‌های بزرگ جهان به شمار می‌رود. از این رو، خیلی‌ها این اثر را از «ایلیاد و ادیسه»، شاهکار معروف هومر، هم ارزشمندتر می‌دانند که به چند زبان زنده جهان ترجمه شده است، اما این برای تبیین شخصیت جهانی فردوسی در بعد بین الملل کافی نیست.»

بهادر باقری با بیان این مطلب توضیح می‌دهد: در حقیقت، همه از جمله دانشگاهیان، رایزن‌های فرهنگی، ایرانیان خارج از کشور که کاری از دستشان برمی‌آید و ظرفیت‌هایی که داریم مثل روابط بین دانشگاهی، کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی که در دو بیست کشور جهان وجود دارند، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی می‌توانند به این هدف کمک کنند که نه تنها فردوسی که متون ادبی قدیم و معاصرمان را به جامعه ادبی جهان معرفی کنیم.

او که در زمینه آموزش زبان فارسی در کشورهای کلمبیا و کره نیز حضور داشته است می‌افزاید: تا زمانی که قدر بزرگان کشورمان را که جزو مفاخر فرهنگی هستند و هم چنین استادان، ادیبان و دانشمندی که سایه‌شان بر سر فرهنگ و دانش این کشور است ندانیم و آن‌ها را الگوهای بزرگ فرهنگی برای نوجوانان و جوانان معرفی نکنیم، چطور توقع داریم در جهان معرفان خوبی برای فردوسی باشیم؟

این استاد دانشگاه با اظهار تأسف از بی‌توجهی به آثار بزرگان در تولیدات فرهنگی می‌گوید: چند سریال از داستان‌های شاهنامه ساخته ایم؟ چند تئاتر عروسکی، فیلم سینمایی، بازی رایانه‌ای، کارتون و انیمیشن با توجه به آثار درخور «کلیله و دمنه»، «مرزبان‌نامه»، «مثنوی»... ساخته ایم؟ چند فیلمی هم که از شاهنامه ساخته شده است در خارج از کشور رورسیه بوده است. به قول حافظ، «سال هادل طلب جام جم از ما می‌کرد/ آنچه خود داشت زیبگانه تمنای کرد». دانشیار گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه خوارزمی باور دارد: ابتدا باید حسابان را با خودمان روشن کنیم و در کشورمان قدر این بزرگان را بدانیم. سپس برای معرفی عالمانه و درست آن‌ها به جامعه جهانی برنامه‌ریزی و اقدام کنیم.

از نظر فرهنگی کم‌کاری کرده‌ایم

نیکویخت، مدرس زبان فارسی در دانشگاه‌های بخارست رومانی و کی‌یف اوکراین، معتقد است برای تبیین شخصیت جهانی فردوسی بزرگ در بعد بین الملل، عقب مانده‌ایم. او می‌گوید: ما کم‌کاری کرده‌ایم. می‌توانستیم از داستان‌های حماسی و اسطوره‌ای مان در شاهنامه فیلم بسازیم، پوزمینه‌های سینمایی برجسته‌ای دارد، اما متأسفانه کمتر به این بخش پرداخته‌ایم. در مقابل، کره‌ای‌ها از اسطوره‌های نداشته‌شان فیلم و مجموعه تلویزیونی ساختند و در دنیا ترویج دادند. وانگهی شبکه‌های تلویزیونی ایران هم چندین بار این آثار را نمایش دادند. متأسفانه از نظر فرهنگی کم‌کاری کرده‌ایم و دنیا هنوز سرمایه‌های فراوانی را که در داستان‌های قهرمانی مان داریم نمی‌شناسد. مردم دنبال این مسائل نیستند مگر اینکه تبلیغ و ترویج شود. از این رو، آن‌هایی که متصدی امور فرهنگی بوده‌اند و هستند، قادر نبودند اسطوره‌ها را بشناسند. این استاد زبان فارسی اضافه می‌کند: مردم در بعضی از کشورهای دنیا حتی سرزمین ایران و زبان ما را نمی‌شناسند، چه برسد به مشاهیر ادبی. همه این‌ها بیانگر کم‌کاری‌های ماست.

از این سو، بشیری، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، وظیفه خراسانی‌ها در زمینه بزرگداشت شاعر حماسه‌سرای ایرانی را این گونه معرفی می‌کند: انتظاری می‌رود خراسانی‌ها در باره فردوسی تعصب بیشتری داشته باشند که هم اکنون دارند. اطلاع داریم دانشکده ادبیات مشهد قطب شاهنامه و فردوسی‌شناسی است. هر چند در گذشته خراسانیان با فردوسی با احترام برخورد نکردند و اجازه ندادند در قبرستان مسلمانان دفن شود، سخن فردوسی بزرگ است و از چشم نیفتاد بلکه روز به روز به قدر و بزرگی‌اش افزوده شد.